



فروغستان: کتابی در سیاق

ایرج افشار



سیاق و سیاق‌ت روشی است از ثبت محاسبات دیوانی و تجاری که قرون متمادی در ایران متداول بود و تا پنجاه-شصت سال پیش یگانه وسیله متعارف کار بازرگانان و منشیان و مترسلان و مستوفیان و هر کسی بود که می‌خواست ارقامی را در فرد و دفتر و دستک به ثبت در آورد.

این روش ثبت محاسبات، در امور استیفای مملکت و صدور فرامین خاص تیول و سیورغال و مستمری و صکوک و سجلات محضری و هر گونه معاملات ملکی و داد و ستد سوداگران و بازرگانان و بیاضها و دستکها و کتابچه بقالان و کاسبان رواج کامل داشت و طریقه‌ای مشخص در سراسر قلمرو فرهنگی ایران و هند و ماوراءالنهر و بلاد عثمانی و احیاناً تا حدودی از قلمرو مصر می‌بود. کلمه «سیاق» را معمولاً از ریشه عربی دانسته‌اند و آن را در لغتنامه‌ها قید کرده‌اند.

یکی از فضلا بتازگی گفته که این کلمه صورتی است تغییر یافته از کلمه «سایاگ» *sagha* اوستایی به معنی شماره. او به احتمالی گفته است شاید در روزگار اشکانی و ساسانی به زبان ترکی راه یافته و به شکل «سایاق» تلفظ شده و این نتیجه را از استنباطات خود عرضه می‌کند که «سایاگ» در قلمرو تمدن ایرانی رواج داشته و در دوره اسلامی به مناسبت شباهت آوایی کلمه با لفظ «سیاق» عربی (به معنی روش) به این صورت و شکل اخیر به تلفظ در آمده است. ارقام و علایمی که در سیاق نویسی از دوره سلجوقی به بعد در نسخه‌های خطی دیده می‌شود، با کمی پس و پیشی و دگرگونی، همانهاست که تا پنجاه-شصت سال پیش مستعمل بوده و در اوراق و اسناد و مناشیر متأخر دیده شدنی است که عبارت است از اشکال کوتاه و رمزگونه شده ثبت عدد به حروف، نه رقم.

ظاهراً همین گونه خطوط و ارقام درهم پیچیده (تعلیق مانند) است که به رقوم و خطوط دیوانی مشتهر می‌بوده و به طور متوازی و

در همان مفهوم آنها را «رقوم سیاقی» گفته‌اند. کلمه سیاق و سیاق‌ت یا برخی مصطلحات سیاق را در تعدادی از نوشته‌های تا سال هزارم هجری دیده‌ام. فهرست این مآخذ به نظم تاریخی چنین است:

۱. الفهرست ابن ندیم بغدادی / سال ۳۷۷ ه.ق.
۲. سفرنامه ناصر خسرو / سال ۴۳۷ تا ۴۴۴ ه.ق.
۳. تاریخ الوزراء نجم الدین ابوالرّجاء قمی / سال ۵۸۴ ه.ق.
۴. راحة الصدور و آية السرور نجم الدین محمد بن علی راوندی / سال ۵۹۹ تا ۶۰۳ ه.ق.
۵. المضاف الی بدایع الزمان حمیدالدین احمد بن حامد کرمانی / سال ۶۰۳ تا ۶۱۲ ه.ق.
۶. لباب الالباب سدیدالدین عوفی / حدود ۶۱۸ ه.ق.
۷. تاریخ جهانگشای عطاملک جوینی / سال ۶۵۸ ه.ق.
۸. منظومه کارنامه اوقاف تاج الدین نسائی / سال ۶۶۱ ه.ق.
۹. شمس السیاق شمس الدین محمد صاحب دیوان / پیش از سال ۶۸۳ ه.ق.
۱۰. الاوامر العلائیه فی الامور العلائیه حسین بن محمد بن علی جعفری روغدی / سال ۶۸۴ ه.ق.
۱۱. مجمع الآداب فی معجم اللقب کمال الدین ابن الفوطی (۷۲۳-۶۴۲) / قرن هفتم.
۱۲. الفخری ابن طقطقی (متوفی ۷۰۹) / سال ۷۰۱ ه.ق.
۱۳. قانون السعادة علاء الدین عبدالله بن علی تبریزی مشهور به خواجه عبدالله فلکی یا فلک علاء / حدود سال ۷۰۰ ه.ق.
۱۴. سعادت نامه ی عبدالله فلکی.
۱۵. الوقیة الرشیدیة خواجه رشیدالدین فضل الله همدانی / حدود سال ۷۱۰ ه.ق.
۱۶. مسامرة الاخبار محمود بن محمد آقسرائی / ۷۲۳ ه.ق.

۱۷. نسائم الاسحار من لطائف الاخبار ناصر الدین منشی کرمانی / سال ۷۲۵ هـ.ق.

۱۸. تاریخ گزیده ی حمدالله قزوینی / سال ۷۳۰ هـ.ق.

۱۹. نزهة القلوب همان مستوفی / حدود سال ۷۴۰ هـ.ق.

۲۰. نفایس الفنون فی عرایس العیون شمس الدین محمد بن محمود آملی (متوفی در ۷۵۳) / پیش از ۷۵۳ هـ.ق.

۲۱. دستور الکاتب فی تعیین المراتب محمد بن هندوشاه نخجوانی / کمی پس از ۷۵۷ هـ.ق.

۲۲. رساله فلیکته ی عبدالله بن محمد بن کیا مازندرانی / حدود ۷۶۲ هـ.ق.

۲۳. بیاض تاج الدین احمد وزیر / سال ۷۸۲ هـ.ق.

۲۴. مفتاح الحساب غیاث الدین جمشید کاشانی / حدود ۸۲۰ هـ.ق.

۲۵. شمس السیاقه منصور بن محمد بن محمد بن علی شیرازی / سال ۸۲۴ هـ.ق.

۲۶. رساله ترکی عبدی بن محمود بن عبد الجبار / پس از ۸۴۲ هـ.ق.

۲۷. تاریخ یزد جعفر بن محمد بن حسن جعفری / حدود ۸۴۵ هـ.ق.

۲۸. مطلع سعیدین و مجمع بحرین عبدالرزاق سمرقندی / سال ۸۸۰ هـ.ق.

۲۹. آثار الوزراء سیف الدین حاجی بن نظام عقیلی / ۸۸۳ هـ.ق.

۳۰. نامه های قاضی میر حسین بن معین الدین میبیدی / پیش از ۹۱۱ هـ.ق.

۳۱. تذکرة الشعراء دولت شاه سمرقندی / ۸۹۲ هـ.ق.

۳۲. دستور الوزراء خواندمیر / سال ۹۱۵ هـ.ق.

۳۳. حبيب السیر همو.

۳۴. سواد الخط منسوب به مجنون رفیقی / پس از ۹۲۶ هـ.ق.

۳۵. بابر نامه ی ظهیر الدین محمد بابر / سال ۹۳۶ هـ.ق.

۳۶. رساله سیاق غیاث الدین ابواسحق محمد عاشقی کرمانی / سال ۹۵۱ هـ.ق.

۳۷. قصیده ای از شاعری با تخلص حسابی / حدود ۹۶۰ هـ.ق.

با توجه به منقولات این متون کاملاً روشن است که صناعت سیاق (فن سیاق نویسی) در امور استیفای مملکتی و محاسبات دیوانی از قرون اولای اسلامی مرسوم بوده و مطلعان بر آن اسلوب مرتبتی والا داشته اند و فن استیفا و سیاق لازم و ملزوم یکدیگر می بوده است.

اصطلاحات خاص سیاق را بعضی از شاعران هم در ابیات خویش آورده و بر اساس آنها مضمون پردازی کرده اند. همین مضامین دلالت دارد که سیاق در زندگی عمومی و فرهنگی مقام شاخصی داشته است.

ابیاتی چند به طور مثال نقل می شود:

کرده ترجیع «حشو» اشعارت

«بارز» صیت دیگران «ترقین» ...

ور قلم در جهان کشد قهرش

«بارز» کون را دهد «ترقین»

(انوری ابیوردی)

تو چون میانه ای و دیگران همه چو دُر

تو چون «فذلکی» و دیگران همه چو شمار

(قطران تبریزی)

ای آمده از خلد به خوبی مددت

بس زود «فذلک» آمد اندر عددت

چندان که «فذلک» جهان می نگرم

«بارز» همه عشرت است و باقی «حشو» است

(عبیدزاکانی)

دین و دنیا از دو «من ذلک»

رقبه او رقاب را مالک

(اوحدی مراغه ای)

تا توانی منما مشق سیاق

که در او نیست نشان اشفاق

ارقام در خط سیاق، رمزگونه ای است برگرفته از کلمات عربی آن ارقام. یعنی نام حروفی هر یک از ارقام و اعداد به صورتی تلخیص شده در آمده و در ثبت و ضبط به کار رفته است. چنان که ادوارد براون متذکر شده است، همانندی دارد با هزوارش پهلوی. شاید سبب اینکه کلمات عربی را درین طریقه به کار برده اند، از لحاظ مهجور و نامفهوم بودن آن الفاظ بر عامه مردم - که عربی نمی دانسته اند - می بوده است. یعنی همان کاری را انجام داده اند که منشیان و محضرنویسان معمولاً نسبت به اسامی جغرافیایی عملی کرده اند و نمی خواسته اند از کلمات متداول عامه استفاده کنند.

در ارقام سیاقی، طی هشت - نه قرنی که نمونه هایشان بر جای

مانده، تغییر بسیار روی نداده است. همان طور که خط فارسی بتدریج راه روشنی و زیبایی را در نور دیده است، خطوط سیاقی هم از پیچیدگی تعلیق واره خود کمی به جانب پیراستگی و آراستگی گراییده است. ناگفته نگذیریم که میان ارقام سیاق نویسی ایرانیان و عثمانیان و هندیان تفاوت‌هایی وجود دارد.

قدیمی‌ترین متون آموزشی سیاق بازمانده از دوره ایلخانان است (سعادت نامه- قانون السعاده- فلیکه- صاحبیه- شمس السیاق). از دوره تیموریان نیز نمونه‌هایی بر جای مانده است. در قرون دوازدهم و سیزدهم، هم در ایران و هم در هند، تعداد زیادی کتاب در فن آموزش سیاق تألیف شده است.

سیاق نویسی و طریقه محاسبه آن و اسلوب دفاتری که ارقام بدان نوشته می‌شد، و بالاخره دست یابی به رموز و پیچیدگی‌هایی که داشت، فنی بود که می‌بایست به اسلوب آموخت. مستوفیان و لشکر نویسان بودند که به «چم و خم» آن و قوف کامل داشتند. حتی در آن دفاتر، منشأ تقلبات و تصرفاتی می‌شدند. به همین ملاحظه به طعنه آنان را «دراز نویسان» می‌گفتند.

«سیاهه نویسی» اصطلاح دیگری بود که گاهی مفهوم سیاق نویسی از آن خواسته می‌شد.

برای آنکه همگان به آسانی و روانی بتوانند بر محاسبات دست داشته باشند، اصول ثبت دفاتر محاسباتی از اوایل مشروطیت به ارقام هندی تبدیل صورت یافت.

نکته‌ای که لازم است بدان توجه کرد، این است که اصطلاح سیاق هم بر خود ارقام نمادین و رمزی اطلاق می‌شد و هم به اسلوب ثبت محاسبات و تقسیم‌بندی موارد به حروف و دفعه و طریقه ستون‌بندی مطالب که در آن گونه تبویب و تقسیم رعایت می‌شد.

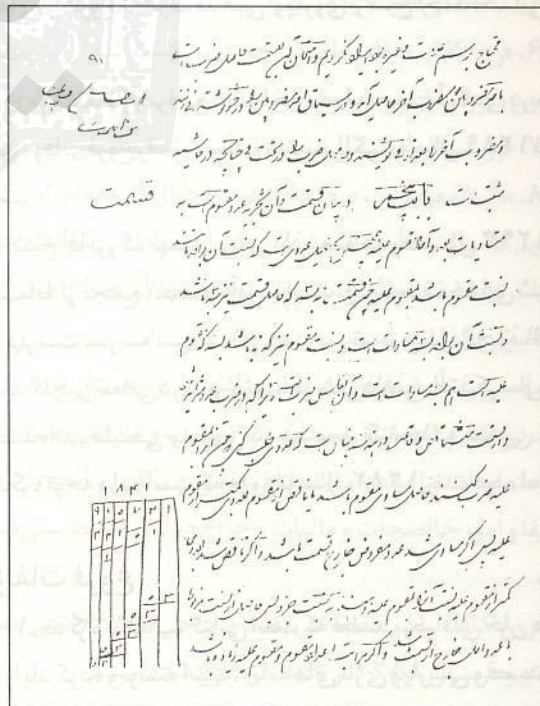
سیاق نویسی از لوازم علم استیفا، ترسل و انشا، و کار دبیران و مستوفیان بود. ظاهراً ریاضی دانانی که عالم بر علم حساب می‌بودند، «سیاق نویسی» را علم نمی‌دانستند و مرتبت پست‌تری برای سیاق نویسی از حساب دانی قائل بوده‌اند. به همین ملاحظه است (شاید) که در متون حساب قدیم مانند شمار نامه طبری- مفتاح المعاملات- لب الحساب- مفتاح الحساب کاشی- میزان الحساب قوشچی- خلاصه الحساب شیخ بهایی، فصلی به طریقه سیاق نویسی تخصیص نیافته است. غیاث‌الدین جمشید کاشی در مفتاح الحساب آن را به «عامه» انتساب داده است.

درباره گذشته سیاق نویسی و گذراندن دوره تحول- یعنی رسیدن به روزگار عددنویسی- منابعی چند هست که مشروحتر از همه نوشته‌های عبدالله مستوفی در کتاب ممتاز شرح زندگانی من است. او در آنجا سیاق نویسی را به اصطلاح طعنه‌آمیز متجددین، «دراز نویسی» یاد کرده است. جز آن دکتر محمد مصدق در کتاب اصول قواعد و قوانین مالیه در ممالک خارجه و ایران، ضمن فصل «تهیه و تصویب کتابچه دستورالعمل قبل از مشروطیت» انواع دفاتر مرسوم آن عهد را معرفی کرده است. همچنین باید به کتاب دموکری فرانسوی مستشار مالی ایران نگاه کرد.

سیاق فنی است که دانستن آن برای بررسی و بازشناسی مقداری از منابع تاریخی دست اول مانند قباله‌های ملکی، اوراق محاسباتی، بنیچه‌ها، کتابچه‌های دستورالعمل و جمع و خرج، صکوک، وقفنامه‌ها، بیجکها، قبضها، براتها، تمسکها و اسناد دیگر ازین دست ضرورت دارد.

چون هفتاد سال پیش می‌گذرد که کتابی مربوط به این فن به چاپ نرسیده است، و متنی که بروشنی و آسانی گره کارها را بگشاید در دست نیست، به چاپ رسانیدن یکی از متون آموزشی این فن فراموش شده، لازم دانسته شد. پس درصدد برآمدم از میان متنهای موجود یکی را که جامع‌تر، مناسبتر و در ضمن تاکنون چاپ نشده مانده است برگزینم و به چاپ برسانم.

باتوجه به اینکه کتاب مشهور بحر الجواهر فی علم الدفاتر تألیف عبدالوهاب شهشهانی چندین بار در دوره رواج کار آمدی سیاق نویسی چاپ شده است و نسخه چاپی اش را اینجا و آنجا می‌توان یافت، و متون بازمانده از عهد ایلخانی و تیموری بیشتر برای تحقیق



صفحه‌ای از فروغستان نسخه سپهسالار

در مدارک آن دورانها مفید است - نه مأخذ روزگار قاجار. پس کتاب فروغستان را که از نگارشهای مهم در رشته سیاق و مباحث مربوط بدان و دامنه دارتر و بسیطتر از کتب دیگر است، برگزیدم.

فروغستان تألیف فروغ الدین محمد مهدی اصفهانی، یکی از مستوفیان فاضل و شاعری ادیب در روزگار عباس میرزا نایب السلطنه و قائم مقام فراهانی است. و او قسمتی از دوران پادشاهی ناصرالدین شاه را نیز درک کرد و بنا به نوشته اعتماد السلطنه در المآثر و الآثار: «از فضایی معتبر این عصر است و با منصب استیفای دیوان اعلی غالباً به تألیف رسایل و نظم اشعار روزگار می گذرانید و فروغ تخلص می کرد.»

پدر فروغ موسوم به محمد باقر و متخلص به بهجت از مردم اصفهان، ادیب و شاعر و مستوفی بود و به طوری که در همین کتاب فروغستان می بینیم، در دستگاه عباس میرزا نایب السلطنه سمت استیفا داشت.

میرزا محمد باقر به استناد نوشته هدایت در مجمع الفصحاء، مستوفی بیوتات و قورخانه و آتشیخانه نواب شاهزاده اعظم و ولیعهد معظم عباس میرزا بوده و در دوره محمد شاه هم زنده بود. در این دوره، مدح منوچهر خان معتمدالدوله گرجی را کرده است (مدایح المعتمدیة). غالب مراجع ادبی مهارت او را در خط نستعلیق متذکر شده اند.

فروغ متولد سال ۱۲۲۳ قمری در تبریز است و چون دوره تحصیل را گذرانید - بنا به نوشته دیوان بیگی - به کتابداری نزد قائم مقام برگزیده شد و در آنجا با ادبا و شعرا حشر و نشر پیدا کرد. چون پدرش در گذشت، به منصب استیفای خاص و تحریر رسایل (نامه نگاری) قائم مقام و انشا خطبه برگمارده شد. به قول دیوان بیگی «یک نوع وزارت علوم» یافت.

فروغ بنا به ذکر هدایت از ملتزمین و مقربین فریدون میرزا، پسر ارشد عباس میرزا نایب السلطنه بود. فریدون میرزا خود شاهزاده ای فاضل و شاعر بود و در شعر «فرخ» تخلص می کرد. به همین ملاحظه بود که فروغ به «فروغ فرخی» معنون شده بود. سمت فروغ در دوره خدمت در دستگاه عباس میرزا «استیفای خاص» بود و همین کار را در آغاز دوره محمد شاه نیز ادامه داد. ولی از ابتدای سلطنت این پادشاه به مأموریت فارس منتقل شد و در آنجا چنان که دیوان بیگی نوشته است، مداخل خوب کرد. بعد از مدتی که به تهران احضار شد، با دست پر بیامد. ولی چون به خدمتی مأمور نشد و مواجب به مخارج وفا نمی کرد، خالی از بسط ید هم نبود بلکه بیشتر به عشرت و لهو میل داشت، اندوخته ها را تلف کرد و کارش به عسرت کشید. تا

انقضای زمان محمد شاه و اوایل سلطنت سلطان عهد پریشان بود. در صدارت میرزا آقاخان باز کوکب بختش ترقی نمود و در کار آمده بود تا بدرود جهان نمود. رحلتش بعد از سال ۱۲۷۴ است.

فروغ در دوران خدمت، استیفای مأموریتهای دیگر یافت، از جمله سفری برای محاسبه قراجه داغ بدان ناحیت اعزام شد. قطعه ای در آن باره سروده است که در مجمع الفصحاء درج است. همچنین از همان مرجع بر می آید که سفری در معیت فریدون میرزا به گرگان رفته است.

فروغ زمانی که در دوره اقامت تهران داشت، (به گفته رضاقلی خان هدایت که با او دوستی و حشر و نشر داشت) در منصب «استیفا و سررشته داری معاملات دیوانی» خدمت می کرد و در مدیح شاه و رجال، شعر می پرداخت. از چند قصیده و قطعه ای که در مدح ناصرالدین شاه دارد، ابیاتی در مجمع الفصحان نقل شده است.

وفات فروغ را دیوان بیگی در حدیقة الشعر (حدود ۱۳۱۰) بعد از هزار و دویست و هفتاد و چهار نوشته است. ولی هدایت در مجمع الفصحاء - تألیف سال ۱۲۸۴ قمری - به عبارتی از فروغ یاد کرده است که معلوم می شود در آن اوقات در حیات بوده است. زیرا می نویسد «اکنون نیز در دیوان اقدس همایون به منصب استیفا... می پردازد. الحاصل دبیری است سحرنگار...». بنابراین شاید سال مذکور هزار و دویست و هشتاد و چهار درست باشد. بنا به استنباط ابن یوسف حدایق در فهرست مدرسه سپهسالار، بر اساس مضامین نامه ای از «فروغ» مشرب مذهبی او پیروی از شیخ احمد احسائی بوده است.

از نویسندگان مراجع عصر اخیر، معلم حبیب آبادی در مکارم الآثار، وفات فروغ را در شصت و شش سالگی به سال ۱۲۸۹ نوشته است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعه حدود سال ۱۲۹۳ را به استنباط از مجمع الفصحاء آورده است. ابن یوسف حدایق شیرازی در فهرست مدرسه سپهسالار و مدرس تبریزی در ریحانة الادب و احمد گلچین معانی در شهر آشوب در شعر فارسی، متذکر سال وفات او نشده اند. علینقی منزوی در فهرست کتابخانه اهدایی محمد مشکوة توجه داده است که فروغ تا سال ۱۲۸۲ زنده بوده است.

مؤلفات فروغ

۱. تذکرة الشباب، کتابی است که نخست رضاقلی خان هدایت آن را یاد کرده و نوشته است: «نامه های تازی و پارسی و قصیده های عربی و عجمی نگاشته که غالباً در تذکرة الشباب که محتوی بر

حالات اوست، مسطور است...»

۲. تقصارة النحور، منظومه‌ای است که نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی ملک نگاه داری می‌شود.

۳. دیوان اشعار، چهار نسخه از دیوان او شناخته شده و نمونه‌هایی هم در مجمع الفصحا و حدیقة الشعر نقل شده است.

۴. ریاض الصفا فی مشاهیر الرجال و النساء، کتابی است در سه باب. باب اولش در احوال کسانی است که به نام مشهورند. ابتدای آن به زبان عربی است.

۵. صحایف العالم، کتابی است که جزیی از آن باقی و ظاهراً در پنج صحیفه بوده است. نام آن در متن فروغستان آمده و نخستین بار در مراجع رضاقلی هدایت در مجمع الفصحا (قبل از ۱۲۹۵) از آن یاد کرده و گفته است که در پنج صحیفه و بالغ بر دویست هزار بیت (سطر) بوده است.

اجزایی از آن که شناسانده شده عبارت است از:

الف. اوراقی و اطلاعاتی از مقدمات صحایف عالم.

ب. قسمتی از صحیفه اول آن به عنوان «طایفه دوم».

ج. نسخه‌ای از صحیفه دوم مربوط به احوال قایم مقام فراهانی که چون عنوان مآثر المعاصرین دارد، جداگانه معرفی کرده‌ام.

د. نسخه‌ای از صحیفه سوم (ثالثه) در بیان منثور و منظوم مؤلف، حاوی خطبه‌های اعیاد و ایام عاشورا و مراسم دیگر و قصاید عربی و فارسی.

هـ. نسخه‌ای از صحیفه پنجم.

۶. فرخ کلام، منظومه‌ای در نحو عربی است که آن را به نام فریدون میرزا متخلص به فرخ (فرزند ارشد نایب السلطنه) سروده.

۷. فروغستان^۱، کتابی است در علم استیفا و سیاق نویسی.

۸. مآثر المعاصرین، صحیفه دویم در احوال قایم مقام. این کتاب را نباید کتاب مستقلی دانست. این طور استنباط می‌شود که جزیی از کتاب صحایف العالم اوست و بر صحیفه دوم آن عنوان خاص مآثر المعاصرین گذاشته است.

مهمترین تألیف فروغ اصفهانی، کتاب فروغستان اوست. این کتاب در قلمرو فن سیاق و محاسبات دیوانی، و مباحثی است مانند شناخت اوقات و اعیاد و مقیاسهای زمانی و مکانی و آنچه با علم استیفا و امور خالصجات و مالیات و خراج دولتی مرتبط می‌شده است.

فروغ کتاب را در خطبه‌اش به نام حاجی میرزا آقاسی مصدر ساخته و در سال ۱۲۵۸ از تألیف آن فارغ شده است.

بخش بندی کتاب در نسخه‌های موجود دو گونه است، در یکی

از نسخه‌ها آن را بر سه دفتر تقسیم کرده، ولی در تحریری اجزای کتاب را در چهار دفتر نام برده است. اگر چه در هر دو تحریر، فقط دفتر اول از سه (یا چهار) دفتر آمده و ظاهر امر این است که به تألیف دفاتر دیگر توفیق پیدا نکرده بود. آنچه مسلم است اینکه در نسخه‌های موجود فقط دفتر اول کتاب وجود دارد.

تبویب مندرجات فروغستان چنین است:

■ دفتر اول، علم سیاق و حساب و مساحت (آنچه اکنون موجود است).

■ دفتر دوم، در بیان ولایات محروسه و تعیین حدود و ثغور آنها و تشخیص مال و خراجات و جزو جمع ولایات و خصوصیات هر ولایت (دریغ که موجود نیست).

■ دفتر سوم، در بیان خالصجات و موقوفات ولایات و تشخیص تکایا و مدارس... به انضمام معادن و قنوات و انهار و خانات... (دریغ که موجود نیست).

نسخه‌های فروغستان

۱. نسخه آهی - این نسخه به خط نسخ (۱۲۲ برگ) مورخ پنجم رمضان ۱۲۵۹ از آن مرحوم مجید آهی که از رجال سیاست و قضا بود و در سال ۱۳۳۵ به استنساخ آن پرداختم. زیرا قصدم بر آن بود که در فرهنگ ایران زمین به چاپ برسانم.

۲. نسخه ملی - این نسخه که در کتابخانه ملی نگاهداری می‌شود، به خط نستعلیق و مورخ ۱۲ صفر ۱۲۵۹ است.

۳. نسخه سپهسالار - این نسخه به خط شکسته نستعلیق از آن مجموعه وقفی سپهسالار است و از حیث عبارات و بعضی مطالب اضافی با نسخه اساس (آهی) تفاوت‌هایی دارد.

۴. نسخه دانشگاه - این نسخه که در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران نگاهداری می‌شود، پیش از آن متعلق به مرحوم سعید نفیسی بود.

۵. نسخه ملک (۱) - این نسخه که متعلق به کتابخانه ملی ملک (تهران) و به خط نستعلیق است، همسانی دارد با نسخه سپهسالار. در آن ذکر چهار دفتر شده است.

نسخه ملک (۲) - این نسخه از آن همان کتابخانه و به خط نستعلیق است.



پانویس:

۱. فروغستان به تصحیح این جانب بزودی از سوی مرکز نشر میراث مکتوب منتشر می‌شود.